

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چرا من مسیحی نیستم

و مقالات دیگر درباره دین و موضوعات مربوط به آن

نویسند: برتراند راسل

گردآوری: پل دواردز

مترجم: امیر سلطان زاده



شعری

سرشناسه	راسل، برتراند، ۱۸۷۲ - ۱۹۷۰ م.	Russell, Bertrand
عنوان و نام پدیدآور	چرا من مسیحی نیستم: و مقالاتی دیگر درباره دین و موضوعات مربوط به آن / نویسنده: برتراند راسل؛ گردآوری پل ادواردز؛ مترجم امیر سلطان زاده.	
مشخصات نشر	تهران: نشر علم، ۱۳۹۴.	
مشخصات ظاهری	۲۳۱ ص.	
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۷۵۲-۳	
وضعیت فهرست نویسی	فیبا	
یادداشت	عنوان اصلی: Why I am not a Christian, and other essays on religion and related subjects, 1967.	
موضوع	آزاد اندیشی	
شماره افزوده	ادواردز، پل، ۱۹۲۳-م، گردآورنده	Edwards, Paul
حاصله افزوده	سلطان زاده، امیر، - مترجم	
شماره بندی کتبی	۱۳۹۴ ج ۴ / ۲ / ۷۸۰ BL۲۷۸	
رده بندی دیویی	۲۱۱:	
شماره کتبخانه ملی	۴۰۰۱	



چرا من مسیحی نیستم

و مقالاتی دیگر درباره دین و موضوعات مربوط به آن

نویسنده: برتراند راسل

گردآوری: پل ادواردز

مترجم: امیر سلطان زاده

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۷۷۰ نسخه

لینوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۷۵۲-۳

فهرست مطالب

۵	مقدمه مترجم
۱۰	مقدمه مولف
۱۶	بشگفتار
۲۱	فصل اول: چرا من مسیحی نیستم
۲۲	مسیحیت چیست؟
۲۴	وجود خدا
۲۴	بحث پیرامون عالم نه ستین
۲۶	بحث پیرامون قانون طبیعت
۲۸	بحث پیرامون طرح طبیعت
۳۰	مباحث اخلاقی الوهیت
۳۱	مبحث عدالت
۳۳	شخصیت مسیح
۳۴	دستورات مذهبی مسیح
۳۶	مسئله اخلاقی
۳۸	عوامل احساسی
۴۰	جلوگیری از توسعه و رشد
۴۰	اساس دین ترس است
۴۱	چه باید بکنیم
۴۳	فصل دوم: دین و تمدن
۴۳	آیا دین به تمدن کمک کرده است؟
۴۶	مسیحیت و روابط جنسی
۴۹	انتقاد علیه دین

بقای روح.....	۵۲
مبدأ عدم صبوری.....	۵۴
آزادی اراده.....	۵۶
نظریه صلاحیت.....	۶۱
فصل سوم: اعتقاد من چیست.....	۶۷
انسان و طبیعت.....	۶۷
۲- زندگی خوب.....	۷۵
۳- وائین : رفی.....	۸۲
۴- رب باری بر من و اجتماعی.....	۹۱
۵- علم و خوشبختی.....	۹۵
فصل چهارم: آیا دانش از سرگ زنده خواهیم بود؟.....	۱۰۷
فصل پنجم: دین و متا زید.....	۱۱۳
فصل ششم: شکاکیت در مذاهب پرستان و کاتولیک.....	۱۲۱
فصل هفتم: زندگی در قرون وسطی.....	۱۲۹
فصل هشتم: سرنوشت توماس پین.....	۱۳۵
فصل نهم: مردم خوب.....	۱۵۱
فصل دهم: نسل جدید.....	۱۶۱
فصل یازدهم: اخلاق جنسی ما.....	۱۷۱
فصل دوازدهم: آزادی و دانشکده‌ها.....	۱۸۱
فصل سیزدهم: وجود خدا.....	۱۹۳
برهان حرکت از ممکن‌الوجود.....	۱۹۵
تجربه دینی.....	۲۰۸
برهان اخلاقی.....	۲۱۳
فصل چهاردهم: آیا دین تمام مشکلات ما را حل می‌کند؟.....	۲۲۵

مقدمه مترجم

برانداسل به عنوان یکی از مشهورترین فلاسفه بریتانیا در قرن بیستم شناخته می‌شود. شهرت وی بیش از دلایل فلسفی، به گستره فعالیت‌های سیاسی و صلح‌طلبانه و اجتماعی وی مربوط است. راسل عمری طولانی داشت و بیش از ۷۰ سال زندگی کرد. او طی این سالها علاوه بر مواجهه مستقیم با جنگ جهانی دوم، تأثیرات فکری مانده جنگ جهانی اول در اروپا را نیز درک کرد. انقلاب اکتبر شوروی دیگر نقطه عطفی بود که بر تفکرات او موثر بود. انتقادات راسل بر نظام کمونیستی در کشور نقد بایش بر سرمایه داری، نشان از بی طرفی سیاسی وی دارد. در حالی که سوخت شوری برخی از نقدهای وی را می پذیرد و چگوارا در نوشته ای به فکر درخاست از راسل برای راه اندازی کمپینی در حمایت از جنبش بولیوی است، وی بارها در سخنرانی‌هایش نظام سرمایه داری و استعمار نشات گرفته از آن را به باد انتقاد می‌گیرد. اینها را در کنار نقدهای صریح و بی پرده وی بر کمونیسم قرار دهید. او به خاطر فعالیت‌های ضد جنگ حتی طعم زندان را نیز چشید. وی به عنوان یک استاد و دانشمند در دانشگاه‌های مختلف تلاش کرد با نوشتن کتاب‌های بسیار نظرات و دیدگاه‌های خود را بیان کند. سنت آزادی خواهی نشات گرفته از ساختار آکادمیک و بوروکراتیک اجتماعی وی نیز کاملاً مشهود است. راسل برای فهم بهتر انقلاب اکتبر و فرهنگ شرق به شوروی و چین سفر کرد. وی درک مستقیم از محیط و مطالعات میدانی را بر مطالعه صرف کتابخانه ای، ترجیح می داد. عملکرد وی نیز دقیقاً مانند تفکر فلسفی او مبتنی بر تجربه بود. شاید حقیقتاً تجربه گرایی را

بتوان در او جستجو کرد. راسل پیش از مازلو^۱ و ابتکارش در مورد هرم نیازمندی‌ها، این نیازها را با همان ترتیب بیان کرده است. این موضوع در همین کتاب نیز مشهود است. تاکید راسل به اخلاق‌گرایی از نکات برجسته کتاب است. راسل به شدت به دنبال ساخت و توجیه یک اخلاق علمی بر پایه روانشناسی است. اینکه اگر امروز زندگی می‌کرد آیا باز هم به نظراتش مبنی بر خلایق علمی پایبند بود یا خیر، مقوله دیگری است. او با اینکه خود را مسیحی می‌دانست به لحاظ رعایت اصول اخلاقی شهره بود. به حدی که حتی کاپیتان در یک قسمت از مناظره به رعایت اخلاق توسط راسل اذعان می‌کند.

راسل همچنان بر نو، به‌هائش معتقد بود رسوبات قرون وسطی در ذهن سیاستمداران اروپایی باقی مانده است. وی دین را به عنوان ابزاری در دست اهالی قدرت در دوران قرون وسطی می‌دید تا منویات توسعه‌طلبانه و جنگ سالارانه خود را توجیه کنند. او بارها ارجاع به قرون وسطی و پاپ آنها را نقد می‌کند. اینکه مردمی در فقر هستند و پاپ در ثروت. اینکه دستور لشکرکشی برای جنگ‌های صلیبی و کشتن میلیون^۲ انسان توسط کسی صادر می‌شود که مدعی صدارت دین عشق است. او در قسمتی از همین کتاب رفتار خلفای اسلامی با مسیحیان و یهودیان را بسیار بهتر از رفتار پاپ با مسلمانان می‌داند. وی تلاش کلیسا برای سیطره بر تفکر مردم اروپا و ترویج جهل^۳ به شدت محکوم می‌کند. تقابل کلیسا با علم نیز از دیگر قسمت‌های مورد انتقاد اوست.^۴ راسل در زمانی زندگی می‌کرد که همچنان برخی اندیشه‌های قرون وسطی در ذهن سیاستمداران باقی مانده بود. کلیسا هم تلاشی برای حل خونریزی‌ها

۱- روانشناس انسان‌گرای آمریکایی است که نظریه سلسله مراتب نیازمندیهای انسانی را بیان کرده است.

۲- برخلاف سنت اسلامی که ما در شرق داریم و با آغوش باز پذیرای علوم نوین است.

نمی‌کرد. هر کلیسایی به سمت یک قدرت اروپایی خیز برداشته بود. در این شرایط راسل که گویا از رفتار پسانسانسی راضی نیست و معتقد است همچنان نفوذ خطرناک کلیسا باعث این خونریزی‌هاست، دست به نقد بی‌پرده کلیسا زد. وی مسیحیت معرفی شده توسط کلیسا را به نقد می‌کشد. وی اخلاقی را که توسط کلیسا تبلیغ می‌شد را نگران کننده می‌داند و این کار را با آموزش مدرن در تقابل می‌بیند. تمام این تلاش‌ها برای کوتاه کردن دست مسیحیت از قدرتی اساسی است. قدرتی که باعث بسیاری از جنایات در تاریخ بشری است. در طول تاریخ بارها توسط فلاسفه مسلمان نسبت به آرای مسیحی نقدهای بسیاری شده است. انتقادات به تثلیث و تناقضات بنیادی مسیحیت در گزاره‌های الهیاتی باعث شده بود تا بسیاری از بزرگان اسلام و حتی اندیشمندان غربی نیز به این موضوع سرعت بدهند. سيطرة کلیسا بر اروپا و تحریف و مصادره به مطلوب مسیحیت به نوعی قدرت کلیسایی از دیگر دلایلی بود که موج انتقادات به مسیحیت را افزایش داد. مائیس که مسیحیت برای اروپا به بار آورد، متأسفانه باعث دین‌گریزی مردم و گرایش به نظرات الحادی گردید. بی‌شک تاریخ مسیحیت در این وضع مسئول است. شاید به همین دلیل باشد که در بسیاری از موارد، در این کتاب به نظرانی الحای از راسل بر می‌خوریم که شاید برای یک فرد با درک دینی متفاوت، بدیهی باشد.

شناخت برتراند راسل بدون در نظر گرفتن فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی وی، نتیجه درستی به ما نمی‌دهد. وجهه فلسفی وی حق‌تأییدآمیز است. فراموش نکنیم جنبش‌های سیاسی قرن بیستم به عنوان پر مغزترین قرن تاریخ بشر، تأثیرات بسیاری بر نحوه نگرش انسان به تاریخ و فضای اجتماعی گذاشته است. ایجاد ناامیدی و فقر ناشی از جنگ‌های متوالی بروز ناهنجاری‌های اخلاقی بسیاری را سبب شد. مشکلاتی که کلیسا یا تلاشی برای حل آن نکرد و یا نتوانست. اینجا بود که راسل با توجه به چهره‌ای که کلیسا از قبل برای خود ساخته بود، شروع به انتقاد کرد. در قسمت‌هایی از کتاب راسل

با زبان کنایه سخن می‌گوید. او از آن به عنوان ابزاری هجومی علیه منتقدانش استفاده کرده است. راسل بسیاری از مشکلات و جنگ‌های قرن بیستم را ناشی از برداشت‌های خاص از مسیحیت می‌دانست و به همین دلیل آن را هدف انتقادات خویش قرار داد. فراموش نکنیم بسیاری از عقلای مشرق زمین و منتقدین اسلامی نیز دلایل اصلی انحطاط بشر در قرن بیستم و خونریزی‌های مثالی را نتیجه همین مسیحیت خاص می‌دانستند. حال به منظور تحلیل بیشتر پیشنهاد می‌شود نظرات یک فیلسوف که در همین جامعه مسیحی زندگی می‌کند را مطالعه کنیم. البته نباید فراموش کرد که بسیاری از این انتقادات بلا توسط ادیسمندان اسلامی مطرح شده بود.

نام این کتاب در عنوان مقاله ای با نام «چرا من مسیحی نیستم» گرفته که در سال ۱۹۲۷ منتشر شد. دیدیم اما کل کتاب مجموعه ای از چند مقاله و سخنرانی و مناظره است که در سال ۱۹۸۷ توسط پروفیسور پل ادوارد جمع آوری شد. این کتاب زیر نظر خود برتراند راسل گردآوری و به تایید خود وی نیز رسیده است. در قسمتی از کتاب به مناظره راسل و فردریک کاپلستون پرداخته شده است. این مناظره قبلاً توسط «بج» در ایندوری به شیوایی ترجمه شده بود. با این حال حسب رعایت ساختار کتاب، بنده موظف به ترجمه آن بودم. در قسمت‌هایی از کتاب به منظور درک بهتر مخاطب فارسی زبان تغییراتی در ساختار جمله انجام شده که دقت شده تا با معنای دقیقاً صورت گیرد. امید بر آن است تا این کتاب به مانند کتاب‌های همین، بتواند نقش موثری در شناخت برتراند راسل ایفا کند. من سعی در تایید یا تکذیب نظرات وی ندارم. تنها تلاش کردم بدون ذره ای کم و کاست عیناً سخنان وی را منتقل کنم. این کتاب می‌تواند برای درک تاریخی بهتر مسیحیت و عوارض اعتقادی آن بر اخلاق پسا قرون وسطایی موثر باشد. در اینجا لازم به ذکر است که مخاطب نباید فراموش کند که این کتاب را باید به صورت انتقادی مطالعه کند و شرایط تاریخی انتشار کتاب را نیز در نظر بگیرد. در انتها از تمامی اساتید

و دوست‌داران دانش و فلسفه دعوت می‌کنم تا انتقادهای سازنده خود را دریغ نکنند. یقیناً هر تلاشی به این شکل، دارای نواقصی است. این نقدها قطعاً می‌تواند منجر به انگیزه و تلاش بیشتر در آینده شود.

امیر سلطان زاده

باییز ۱۳۹۴

www.ketab.ir

مقدمه مولف

برتراند راسل نویسنده بزرگی بود و در طول زندگی خویش، نوشته‌های بسیاری به صورت مقالاتی کوتاه منتشر کرد. به صورت کلی کسانی که آشنایی کمی با خردورایی دارند، اطلاعات کمی در مورد نقدهای وی بر دین دارند. در این کتاب مثال‌هایی از کتابهای جذاب راسل، مانند «زناشویی و اخلاق» و «آزادی و سازمان» که تا به امروز نموده‌ام، مقالات مذهبی وی را گردآوری کرده‌ام. هر چند راسل به دلیل مشاقت در موضوعات صرفاً انتزاعی، مانند منطق و تئوری علم بسیار قابل احترام است اما نظریه‌های انتقادی که وی در رابطه با دین و اخلاق بیان نموده، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. او هیچ گاه تنها به عنوان یک فیلسوف شناخته نشده است. وی «ما» با مقولات مرتبط به دین، چالش داشته است. مسائلی درباره موقعیت بشر در جهان، طبیعت و زندگی سالم. او در مواجهه با این مسائل به مانند سایر فلاسفه فصیح، متنفذ و با درک بالایی سخن گفته است. به دلیل همین صفات شاید بتوان گفت این کتاب، موثرترین کتابی است که از زمان ولتر^۱ و هیوم^۲ تا به حال نوشته شده است.

۱- از فیلسوفان عصر روشنگری است. وی ۱۶۹۴ به دنیا آمد و در سال ۱۷۷۸ چشم از جهان فرو بست. شهرت وی به علت مخالفت با کلیسا است.

۲- فیلسوف تجربه‌گرای اسکاتلندی است که در سال ۱۷۱۱ متولد و در سال ۱۷۷۶ چشم از جهان فرو بست. بسیاری او را بزرگترین فیلسوف تاریخ بریتانیا و نخله تجربه‌گرایی می‌دانند.

کتابی که برتراند راسل بنویسد، در هر زمانی ارزش انتشار دارد. امروزه با توجه به تلاش احیای دین با استفاده از ابزار جدید، این کتاب می‌تواند مانند بیانیه‌ای برای مخالفین این ایده در این کارزار باشد. انسان در هر سطحی در طول تاریخ، توسط افراد مختلف مورد بمباران تبلیغات دینی قرار گرفته است.

مجله لایف^۱ در سر مقالات خود، به ما اطمینان داده که جدا از ماتریالیست‌ها^۲ و بنیادگرایان، جنگ میان مسیحیت و معتقدین به تئوری تکامل نیز پایان یافته است. این تصور که جهان تنها بر اثر اتفاق تکمیل شده، امروزه رد تایید نیست. «آرنولد.جی.توینبی»^۳، به عنوان یکی از مدافعان سرسخت مسیحیت، معتقد است که مبارزه با کمونیست در جایی که دین و روحانیت وجود دارد، امکان‌پذیر نیست. «نورمن.وینست.پیل»^۴، «مان.سیکتر.شین»^۵ سایر اعطاز مسیحی هر روزه در روزنامه‌هایی با میلیون‌ها خواننده و سخنرانی‌های هفتگی رادیویی و کتاب‌ها به تبلیغ دین می‌پردازند. سیاستمداران از تمامی احزاب و تمامی کسانی که هیچ سابقه‌ی دینی نداشته‌اند، قبل از شروع تبلیغات و جذب مقبولیت، سعی دارند وفاداری خود را نسبت به کلیسا نشان دهند و برای خود حسن سابقه‌ای دینی ایجاد کنند. آنها فراموش نمی‌کنند که در سخنرانی‌های خود، از نام خدا وام بگیرند.

چنین کتابی با اینکه به لحاظ شرعی شاید مورد تایید برخی نباشد، اما امروزه بیشتر مورد اقبال واقع گردیده است زیرا تجاوزات دینی بی هیچ حد و

1-Life

۲- دیدگاهی است که معتقد است همه چیز در جهان از ماده یا انرژی است و حتی آگاهی نیز نتیجه برهم کنش مادی است.

۳- اشاره به تئوری تکامل داروین دارد. در این تئوری داروین معتقد است موجودات زنده بوسیله انتخاب طبیعی تکامل می‌یابند.

۴- او در طول جنگ جهانی اول وزیر امور خارجه انگلیس بود. وی همچنین استاد تاریخ، ادبیات و زبانهای امپراتوری بیزانس در دانشگاه لندن بود.

۵- واعظ مشهور مسیحی.

مرزی، همه چیز را در می نوردد^۱. در آمریکا با توجه به تفکیک دین از سیاست در قانون اساسی، این مشکل حل شده است و کوشش های بسیاری در این جهت صورت گرفته است. بررسی این تلاش ها از حوصله این مقدمه خارج است. با این حال، برخی از این کوشش ها به خوبی نشان می دهد که در صورت عدم اجرای چنین روشی، مخالفان سنت های مذهبی به عنوان شهروند درجه دو تلقی می شدند. مثلاً چند ماه قبل، یکی از کمیته های مجلس نمایندگان، «اعتقاد به خدا» را به عنوان یکی از مهمترین پایه های خدمات دولتی در قوانین بر سرش زد. قوه مقننه رسماً چنین ادعا نمود که میزان خدمت هر کس در مناسب و البته با توجه به میزان اعتقادش به خدا باید سنجیده شود. این تصمیم هنوز به عنوان یک قانون در نیامده است. اما اگر مخالفت شدیدی با آن نشود، به قانون تبدیل خواهد شد. موضوع دیگری که به عنوان پیش فرض تفکر ملی آمریکایی محسوب می شد، «مله با انا» به عنايات الهی است که به تصویب هر دو مجلس رسیده است و امروزه بدون تلقی می شود.

پروفسور جرج آکستل استاد دانشگاه نیویورک به عنوان منتقد صریح این نوع جنبش ها به این قانون اشاره کرده و در یکی از کمیته های سنا گفته است که این مصوبه باعث نابودی تلاش برای جدایی دین از دولت است.

در جایی که قانون اساسی تزیق فکری مذهب را به رسمیت نتابد، قوه مقننه هیچ تلاشی برای جلوگیری از ترویج آن نمی کند. در شهر نیویورک نمونه آشکاری برای تایید این موضوع وجود دارد. انجمن فرهنگی این شهر، بیانیه ای صریح از معلمان و مدیران را که با شعار «مدارس عمومی در ترویج ایمان به خدا بکوشند» تهیه نمود و خودش چنین تشخیص داده است که مردم آمریکا مذهبی هستند. همچنین مدارس عمومی خداوند را منشاء اخلاق و طبیعت دانسته اند. اگر این بیانیه مورد تایید واقع می شد، مدارس عمومی اجازه

می‌یافتند تا در مورد مسائل الهیاتی اظهار نظر کنند. حتی تدریس علوم غیر الهی مانند علوم طبیعی و ریاضی نیز می‌بایست در چهارچوب الهیاتی تدریس می‌شد. بیانیه اظهار دارد که ریاضی‌دانان جهان را منطقی، منظم و قابل پیش بینی می‌پندارند. تصور ایشان از بزرگی جهان، فعل و انفعالات شیمیایی، ساختار ریاضیاتی جهان^۱ و اعتقاد به بی‌انتهایی آن، چیزی جز اذعان بر ناتوانی و ضعف در برابر قدرت الهی نیست. هر کس تنها حق دارد بگوید وقتی به جهان فکر می‌کنند، تنها خدا را در آن می‌بینم.

البته مقوله ای مانند «صنعت» از نظر پنهان نامانده است. در مورد صنعت انجمن مدیران مدعی هستند که نتایج عجیب ترکیب فلزات، دانه بندی و زیبایی چوب الکتریسته و کیفیت موادی که مصارف مختلفی دارند، موجب تفکر در مورد نظم جهان صمیم و قدرت برتر می‌شود. این ادعا مورد اعتراض افراد معتقد به آزادی دین، قرار گرفت و این اعتراض منجر به اصلاح آن شد. حتی این متن اصلاح شده نیز مورد اعتراض مخالفین دین بود. با این حال امید است تا در دادگاه، در مورد آن بیشتر گفتگو شود.

مخالفت های شدید برخی از این افراد، موجب آسیب به منافع کلیسا گردیده است. این موضوع احتمالا به این دلیل است که امروزه دین طوری نمایش داده می‌شود که تلطیف گردیده و دور از تعهد است و خشونت و جفا مربوط به گذشته کلیسا است. این خطر فریبنده وجود دارد که بسیاری از رهبران دینی افرادی آزادی خواه هستند و معتقد به جدایی دین از سیاست هستند. آنان به عقاید دیگران احترام می‌گذارند. اما متأسفانه هنوز عده زیادی تا حد امکان به دیگران آزار می‌رسانند و برای آن از هیچ کاری دریغ ندارند.

۱- اشاره به جمله معروف گالیله دارد که گفته: «قانون طبیعت با زبان ریاضی نوشته شده است».

در بریتانیای کبیر شرایط متفاوت است. در آن جا کلیسا قدرتمند است و تعلیمات دینی طبق قانون در تمامی مدارس تدریس می‌شود. با این حال فرهنگ عمومی مردم به شکلی است که به عقاید دیگران احترام می‌گذارند و کسی در جامعه از بیان اینکه بی دین است، ترسی ندارد. در انگلیس تبلیغات برای هر دینی آزاد است و گروه‌های مختلف دینی تلاش می‌کنند تا از ترویج افکرات ملحدانه جلوگیری کنند. مثلا، اخیرا به خبرگزاری دولتی بریتانیا (بی.بی.سی) توصیه شده است، برای خردگرایان در برنامه‌های خود زمانی در نظر نگیرد. خبرگزاری مذکور، این توصیه را پذیرفت اما هیچ اقدام عملی جهت اجرای آن انجام نداد. سخنرانی مارگارت تایت^۱ در مورد «اخلاق بدون مذهب»، از محدود کردن ها، جهت تبیین تفکرات افراد بی دین بود. این سخنرانی موجب عصبانیت و عکس‌العملی شدید متعصبین مذهبی در برابر «بی.بی.سی» گردید.

جهت رضایت خوانندگان و توضیح شرایط، در ضمیمه همین کتاب شرح مفصّلی نسبت به جلوگیری از تدریس رتوانه راسل در کالج فلسفه دانشگاه نیویورک، داده شده است. برای اینکه بخواهیم تدریس ها و فشارهایی که افراد متعصب برای شکست مخالفین خود به کار می‌برد را نشان دهیم، می‌بایست به توضیح بیشتر در این مورد بپردازیم. کسانی که موجب نفی کار راسل شدند، همان‌هایی هستند که قدرت جهانی آمریکا را مورد تهدید قرار داده‌اند. آنها و همفکران انگلیسی ایشان دارای قدرتی بیش از سال ۱۹۴۰ هستند.

شرح ماجرای تدریس راسل در آن دانشگاه باید بیان شود. زیرا راسل در آن زمان هم از طرف قاضی دادگاهش، هم از طرف دانشگاه و هم از طرف مطبوعات ضررهای مادی و معنوی بسیاری متحمل شد. نظریات و اقدامات راسل

خطرناک و غیر قابل مهار تبلیغ شد و مردم ذهنیتی اشتباه نسبت به راسل پیدا کردند.

امیدوارم در این کتاب و در سایر مباحث آن چه باعث روشنی موضوع می‌شود، بیان گردد.

بسیاری از مقالات این کتاب با اجازه از ناشرین اصلی مجدداً به چاپ رسیده، که واجب است از همکاری ایشان تشکر کنم.

همچنین باید از پروفیسور آنتونی فلو، روت هافمن، شیللا متیر و شاگردانم که در تهیه این کتاب با من همکاری کردند، بسیار تشکر کنم.

در انتها صمیمانه تسلیت احترام خویش را به برتراند راسل تقدیم می‌کنم که از ابتدا در کنار من بود و از صمیم قلب ما را یاری رساند.

پل ادورادز^۱